



# شریعت‌نامه

یادداشت‌ها و مقالات حمیدرضا تمدن



«مطلب قبلی | مطلب بعدی»



## تاریخ‌مندی یا ابدیت شریعت؛ استناد به روایت «حلال محمد...» در بوته نقد

مسأله دائم یا موقت بودن احکام فقهی همواره مورد بحث و مناقشه قرار داشته و در سال‌های اخیر<sup>1</sup>، در نتیجه پرسش‌ها و نقدهایی که جریان نواندیشی دینی به ویژه در جهان عرب (تحت عنوان «تاریخیه الأحکام»<sup>2</sup>) مطرح ساخته، بیش از پیش و در قالب عناوینی همچون «جایگاه زمان و مکان در استنباط» مورد توجه قرار گرفته است. در این میان تفاسیری که از «تاریخ‌مندی» احکام ارائه می‌شود نیز متفاوت است. برخی معتقدند که احکام فقهی یکسره تاریخ‌مند بوده و از این رهگذر کارآمدی فقه در دنیای معاصر را به نقد گرفته‌اند. (برای نمونه نک: مجتهد شبستری، نقد بنیادهای فقه و کلام، ص 353) گروه دیگر از زوایای متفاوت به تاریخ‌مندی احکام نگریسته و بر این باورند که متن دینی دارای حقیقتی متعالی و والاست که البته با گذشت زمان و ایجاد تغییرات بسیار در زبان، شرایط اجتماعی و عوامل دیگر به ناچار بر این حقیقت غبار می‌نشیند که امروزه با استفاده از شیوه‌های نوین فهم متن باید این غبار را زدود تا به آن معنای نهفته در پس این الفاظ کهنه شده دست یافت. این دسته بر خلاف گروه نخست، متن دینی را ذاتاً تاریخ‌مند نمی‌دانند. (برای یافتن توضیح بیشتر و نقد نگاه گروه نخست نک: حب الله، شمول الشریعة، بحث فی مديات المرجعية القانونية بین العقل والوحي، ص 667-668) در نهایت، گروهی نیز به ابدیت احکام فقهی معتقد هستند و برای اثبات آن نیز به دلایل عقلی و نقلی تمسک می‌نمایند. (البته عمده مستندات این گروه، نقلی است)

در این میان، منتقدان «تاریخ‌مندی احکام» ضمن استناد به قاعده اشتراک احکام به حدیث «حلالٌ مُحَمَّدٌ خِلالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» تمسک کرده و اثبات ابدیت احکام فقهی را در پس این روایت می‌جویند.<sup>3</sup> هدف نگارنده در این نوشتار، ارزیابی بحث «تاریخ‌مندی» احکام فقهی و ابعاد آن نیست و تنها نگرش فقیهان به این روایت مد نظر قرار داشته است.

روایت یاد شده در کتب حدیثی شیعه و سنی به شکل‌های گوناگون نقل شده که البته گاه صدر و ذیل در آنها متفاوت است. برای نمونه در بصائر الدرجات روایاتی که دربردارنده عبارت «حلال محمد حلال...» هستند گاه ضمن اشاره به «صحیفة علی»، «الجماعة» و منشأ علم امامان در پی نفی قیاس هستند.<sup>4</sup> (ص 168-170) بافت مهم دیگری که این عبارت در آن به کار رفته و تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته، بحث «تفویض»، «سنت» (در مقابل فریضه) و همچنین «تشریعات پیامبر» است. لذا این عبارت مورد نظر در پی آن است که به تشریعات و قانون‌گذاری‌های پیامبر اصالت ببخشد. توضیح آن که در این روایات، به «تزیین الهی پیامبر» اشاره شده و بلافاصله از نمونه تشریعات انجام گرفته توسط ایشان سخن به میان آمده و بر این نکته تأکید شده که همه این قوانین و احکام به اجازه خداوند بوده و لذا «هر حکمی که از پیامبر صادر می‌شود به مثابه حکم خداوند است». پس از آن نیز به تفویض امر از سوی پیامبر به امام علی و امامان پس از ایشان اشاره شده است.<sup>5</sup> (برای یافتن روایات با این مضمون ن.ک: بصائر الدرجات، ص 407-402)

در الکافی نیز این عبارت در روایاتی با زمینه‌های گوناگون به کار رفته و مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه، صدر و ذیل یکی از روایات دربردارنده این موضوع نشان دهنده استفاده از این

برای نفی «نسخ» دین اسلام با آمدن دین جدید بر خلاف ادیان پیشین است.<sup>6</sup> (الکافی، ج 2، ص 17) گونه‌ای دیگر از روایاتی که عبارت یاد شده در آنها به کار رفته، ناظر به جامعیت آموزه‌های پیامبر و نفی شیوه‌های ظنی است.<sup>7</sup> (برای نمونه نک: الکافی، ج 1، ص 58)

نکته دیگری که همواره در نقد نظریه تاریخ‌مندی احکام کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که در فقه سنتی نیز استفاده از این روایت برای اثبات ابدیت و اطلاق احکام به ویژه پس از شیخ انصاری مورد نقد و مناقشه قرار گرفته است. برای نمونه میرزای شیرازی، شیخ انصاری، میرزای نایینی و برخی دیگر، حدیث را در سیاق عدم نسخ دین اسلام<sup>8</sup> و ناظر به روایت نقل شده از المحاسن برقی فهمیده و تصریح نموده‌اند که این بخش از حدیث نیز هیچ ربطی به بحث استمرار (ابدیت) احکام ندارد.<sup>9</sup> (برای نمونه نک: تقریرات المجدد شیرازی، ج 4، ص 329<sup>10</sup>؛ فراند الأصول، ج 4، ص 99<sup>11</sup>؛ أجود التقريرات، ج 1،

جستجو

جستجو

آرشیو

- 1401 اردیبهشت
- 1400 دي
- 1399 فروردین
- اردیبهشت
- خرداد
- تیر
- مرداد
- شهریور
- مهر
- آذر
- دي
- بهمن
- اسفند

آخرین نوشته‌ها

- تفاوت اصولیان و اخباریان؛ شیخ جعفر کاشف الغطاء و تمثیل خدمتکار و شه‌ریار
- قیاس از نگاه دیگر
- تفکیک روایات «افتنایی» و «تعلیمی»؛ قواعد و نمونه‌ها؛ با نگاهی به اندیشه‌های اصولی آیت الله سیستانی و میرزا مهدی اصفهانی
- جستاری درباره تاریخ فقه اسماعیلیه
- نگاهی دیگر به ابعاد بشری شخصیت پیامبر (ص)
- نسبت عقل و شریعت در اندیشه آیت الله سیستانی
- اصول فقه اسلامی و نخستین نمودهای خردورزی مسلمانان
- عبدالرحمان بدوی؛ نوسازی سنت اسلامی از نگاهی دیگر
- ملاحظاتی درباره انتساب کتاب «الطب النبوی» به ذهبی
- آدونیس و نقد بنیادین سنت اسلامی
- نگرش تاریخی در فقه؛ از فقیهان تا نواندیشان
- آیا نواندیشان «مقاصد الشریعة» را باور دارند؟

- سرگذشت نظریه علم مقاصد الشریعة؛ درآمدی بر اهمیت تدوین «تاریخ مقاصد الشریعة»
- نگاهی نو به تاریخ فقه شیعه در دوران حضور
- نگاهی به قصیده «کرپلا لا زلت کرپا و بلا» و حذف آن از دیوان شریف رضی

لینک های روزانه

آمار بازدید

بازدیدکنندگان تا کنون: ۱۹,۰۹۲ نفر

ص 512-511 (12)

نتیجه آن که به نظر می‌رسد فارغ از دآوری درباره نظریه تاریخ‌مندی شریعت، استناد به این روایت و به طور خاص، یک قطعه از آن برای اثبات ابدیت احکام شرعی نادرست بوده و این استفاده با سیاق روایات گوناگون دربردارنده این مضمون، سازگار نیست.

۱. البته در آثار فقیهان پیشین نیز می‌توان عباراتی ناظر به این مسأله یافت. برای نمونه علامه حلی نوشته است: «أن الأحكام منوطة بالمصالح ، ولا امتناع في كون الوجوب مثلا مصلحة في وقت ، ومفسدة في آخره فلو كلف به دائما ، لزم التكليف بالمفسدة ، فيجب رفعه في وقت كونه مفسدة ، وهو المطلوب» (مبادئ الوصول، ص ۱۷۶؛ برای یافتن نمونه‌های دیگر نک: حب الله، شمول الشريعة، ص ۲۶۸-۲۶۷؛ هو، نظرية السنة، ۷۱۹-۷۱۷ و ۷۳۴-۷۳۷)

۲. به نظر می‌رسد نواندیشان دینی جهان عرب همچون محمد ارکون، نصر حامد ابوزید و... نیز در این نگرش تحت تأثیر میشل فوکو و بحث Historically او بوده‌اند.

۳. صرفا برای مشاهده یک نمونه نک: درس خارج فقه سید محمود هاشمی شاهرودی، ۹۱/۲/۲۵؛  
/https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/shahroudi/feqh/۹۰/۹۱/۲۲۵

۴. برای نمونه:

(الف) حدثنا ابراهيم بن هاشم عن جعفر بن محمد بن عبد الله بن ميمون القداح عن ابي عبد الله عليه السلام عن ابيه قال في كتاب علي كل شئ يحتاج إليه حتى ارش الخدش والارش.  
(ب) حدثنا ابراهيم بن هاشم عن يحيى بن ابي عمران عن يونس عن حماد قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ما خلق الله حلالا ولا حراما الا وله حد كحد الدور وان حلال محمد حلال إلى يوم القيمة وحرامه حرام إلى يوم القيمة ولان عندنا صحيفة طولها سبعون ذراعا وما خلق الله حلالا ولا حراما الا فيها فما كان من الطريق فهو من الطريق و ماكان من الدور فهو من الدور حتى ارش الخدش وما سواها والجلدة ونصف الجلدة.  
(ج) حدثنا محمد بن عيسى عن فضالة عن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام قال سمعته يقول وذكر ابن شيرمة في فتياه فقال اين هو من الجامعة املى رسول الله صلى الله عليه وآله وخطه على عليه السلام بيده فيها جميع الحلال والحرام حتى ارش الخدش فيه...

۵. برای نمونه:

(الف) حدثنا عبد الله بن عامر عن ابي عبد الله البرقي عن الحسن بن عثمان عن محمد بن الفضيل عن ابي حمزة الثمالي قال قرأت هذه الآية إلى ابي جعفر عليه السلام ليس لك من الامر شئ قول الله تعالى لنبيه وانا اريد ان اسئله عنها فقال أبو جعفر عليه السلام بل وشئ يشئ مرتين وكيف لا يكون له من الامر شئ فقد فوض الله إليه دينه فقال ما اتيكم الرسول فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا فما احل رسول الله صلى الله عليه وآله فهو حلال وما حرم فهو حرام.  
(ب) حدثنا احمد بن محمد بن محمد بن اسماعيل عن محمد بن عذافر عن عبد الله بن سنان عن بعض اصحابنا عن ابي جعفر عليه السلام قال ان الله تبارك وتعالى ادب محمدا صلى الله عليه وآله فلما تادب فوض إليه فقال تبارك وتعالى ما اتيكم الرسول فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا فقال من يطع الرسول فقد اطاع الله فكان فيما فرض في القرآن فربايع الصلْب وفرض رسول الله صلى الله عليه وآله فربايع الجِد فاجاز الله ذلك له وانزل الله في القرآن تحريم الخمر بعينها فحرم رسول الله صلى الله عليه وآله تحريم المسكر فاجاز الله له ذلك في اشياء كثيرة فما حرم رسول الله صلى الله عليه وآله فهو بمنزلة ما حرم الله.  
(ج) حدثنا احمد بن محمد بن محمد بن الحسين بن سعيد عن علي بن النعمان عن ابن مسكان عن المعلى بن خنيس عن ابي عبد الله عليه السلام قال ما اعطى الله نبيا شيئا الا وقد اعطاه محمدا صلى الله عليه وآله قال لسليمان بن داود عليه السلام فامنن أو امسك بغير حساب وقال لمحمد صلى الله عليه وآله ما اتيكم الرسول فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا.

۶. البته ظاهرا این روایت ابتدا در «المحاسن» برقی به کار رفته است. (نک: المحاسن، ص ۲۷۰-۲۶۹):

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَمِيصٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مَهْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الْأُمَّةِ» فَقَالَ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَلَمْ يَكُنْ صَارُوا أُولِي الْعَرْشِ قَالَ لِأَنَّ نُوْحًا بَيْتٌ بِكَيْتَابٍ وَ شَرِيعَةٌ وَ كُلٌّ مِنْ جَاءَ بَعْدَ نُوحٍ أَحَدٌ بِكَيْتَابٍ نُوحٍ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالضُّخْفِ وَ بِعَزِيمَةِ تَرْكِ كِتَابِ نُوحٍ لَا كُفْرًا بِهِ فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدٌ بِشَرِيعَةٍ إِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهَاجِهِ وَ بِالضُّخْفِ حَتَّى جَاءَ مُوسَى بِالنُّوْرَةِ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ وَ بِعَزِيمَةِ تَرْكِ الضُّخْفِ وَ كُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدٌ بِالنُّوْرَةِ وَ شَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْإِنْجِيلِ وَ بِعَزِيمَةِ تَرْكِ شَرِيعَةِ مُوسَى وَ مِنْهَاجِهِ فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ الْمَسِيحِ أَحَدٌ بِشَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ حَتَّى جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ وَ بِشَرِيعَتِهِ وَ مِنْهَاجِهِ فَخَالَطَهُ خَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ خِزَامَةٌ خِزَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهَؤُلَاءِ «أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الْأُمَّةِ» عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

۷. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ حُرَيْبٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَقَالَ خَلَالٌ مُحَمَّدٌ خَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ خِزَامَةٌ خِزَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ عَزِيمَةٌ وَ لَا يَجِيءُ عَزِيمَةٌ وَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحَدٌ إِيْتَدَعَ بِدَعْوَةٍ إِلَّا تَرَكَ بِهَا شَيْئًا. (برخی همچون ملا امین استرآبادی در الحاشیه علی اصول الکافی(ج۱، ص ۱۹۱) و علامه مجلسی نیز همین برداشت را از این دسته روایات ارائه داده‌اند(مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۰۰)

۸. در « موسوعة الفقه الاسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام» تنها همین برداشت از روایت بیان شده که به نظر می‌رسد از سایر دلالات حدیث غفلت شده است.(موسوعة الفقه الاسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ج ۱۳، ص ۲۱۵)

۹. برخی از فقیهان نیز ضمن باور به این حدیث، به مسأله جایگاه زمان و مکان در استنباط و همچنین تغییر حکم به تبع تبدل موضوع اشاره کرده‌اند.(این گروه حکم را ابدی می‌دانند و نه موضوع را) برای نمونه در کتاب «ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی» محمد ابراهیم جناتی اینچنین آمده است:

«دید و بینش درست و صحیح که عبارت است از خاضع ساختن رویدادها و تحولات اجتماعی و شرایط زمان و مکان در برابر احکام اسلامی از راه قانونی تحول اجتهاد به تحول زمان و قرار دادن اسلام را معیار و میزان برای آنها . این دید در مسأله نقش زمان و مکان در اجتهاد محور است و باید رعایت گردد و همه می دانیم

بازدیدکنندگان امروز: ۳ نفر  
تعداد یادداشت ها: ۳۲  
بازدید از این یادداشت: ۷۶۴

- پر بازدیدترین یادداشت ها:
- فقیهان و فقه: سز نوشت شیرین یک نوشیدنی تلخ (۲۰۳۱)
  - نگاهی به سرگذشت صنعت چاپ در مناسبات قدرت و شریعت (۱۰۷۶)
  - نگاهی گذرا به برخی مبانی و نوآوری‌های فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی آیت‌الله سیستانی (۱۰۲۰)



Powered by Kateban.com  
2020-04-07

احکام شرعی بر موضوعات با قیود و شرایطی قرار دارد و تا مادامی که آنها تغییر نیابند احکام شرعی آنها نیز تغییر نمی یابد ، زیرا حکم حلال روی موضوع خودش و حکم حرام روی موضوع خودش در شریعت اسلامی همیشگی و ثابت است و همان گونه که انفکاک معلول از علت و عرض از معروض خود امکان ندارد ، همینطور انفکاک حکم از موضوعش امکان پذیر نیست ، زیرا موضوع به منزله علت برای حکم است و مفهوم (( حلال محمد حلال الی یوم القيامة و حرام محمد حرام الی یوم القيامة )) نیز همین است . « (ج۱، ص ۴۶۲)

۱۰. و الظاهر أنه مسوق لبيان عدم نسخ الله تعالى دين محمد (صلى الله عليه وآله) بدين آخر، فهو ساكت عن إفادة أن كل حكم منه في شريعة محمد (صلى الله عليه وآله) لم ينسخ بإثبات حكم مغاير له في مورد ذلك الحكم في شريعته (صلى الله عليه وآله) و لم يبين انتهاء أمده ببيان ذلك الحكم المغاير كما هو مبنى الاستدلال، فلا ينافي عدم استمرار بعض أحكامه (صلى الله عليه وآله) و انقطاع أمده بحكم آخر في شريعته.

۱۱. وقد يستدل على ذلك بقولهم (عليهم السلام): " حلال محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) حلال إلى يوم القيامة، وحرامه حرام إلى يوم القيامة " .

وفيه: أن الظاهر سوفه لبيان استمرار أحكام محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) نوعا من قبل الله جل ذكره إلى يوم القيامة في مقابل نسخها بدين آخر، لا بيان استمرار أحكامه الشخصية إلا ما خرج بالدليل، فالمراد أن حلاله (صلى الله عليه وآله وسلم) حلال من قبل الله جل ذكره إلى يوم القيامة، لا أن الحلال من قبله (صلى الله عليه وآله وسلم) حلال من قبله إلى يوم القيامة، ليكون المراد استمرار حليته.

۱۲. بل الظاهر منه عرفا بيان استمرار الشريعة المقدسة و انها لا تنسخ بشرية أخرى فالمراد منه ان كل ما يكون إلى يوم القيامة متصفا بالحلية أو الحرمة فهو حلال محمد (صلى الله عليه وآله) أو حرامه فأحكامه (صلى الله عليه وآله) مستمرة إلى يوم القيامة و لا تنسخ بشرية أخرى.

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۴۶

نظرات

نام و نام خانوادگی (ضروری)

پست الکترونیکی

نمایش ایمیل به مخاطبین

صفحه وب

محل سکونت

مطلب (ضروری)

نمایش نظر در سایت

ارسال

tamaddon.kateban.com -- Powered by Kateban.com -- 2020

